











# سازمانی

۳۱۰۸۶ ۳۱۵۰۳۰

## فروش ویدیو

آدرس: بیلابنیان تراز کرسیخان تلفن ۸۹۶۱۹۴ - ۸۹۳۹۲۸ زند شماره ۲۴۴ آزو

فروش لوازم

## دفتر

تبلیغ فلم خانوادگی ویدیو  
کارن دنیای کودک (کد) تلفن ۷۹۰۲۰ - ۲۹۸۸۵۵

در مبل

## ایتال استیل

دنیای ویدیو

خوب بقیمت حراج مبل سریس  
میرس خانیان چون بین مردماد  
و جوان کودک تلفن ۶۸۶۰۴۳

جعه ها تا شب باز است

میرس تلفن ۶۸۶۱۱۲ از ۱۰

بعد از ظهر

شیوه موسه ویدیو

اوین موسه ویدیو  
جدیدترین فیلم های ایرانی  
همزایی از جدیدترین فیلم های  
کیفیت بیشتر شنیدن

تعدادی د. ک. دالین پفروش

میرس تلفن ۶۸۶۱۱۲ از ۱۰

بعد از ظهر

شیوه ۳۵ ریال

کلیپ های ایرانی از جدیدترین  
میرس خواب در طرح های زیبا  
تعمیرات و تعویض مخصوص  
سیمانی تلفن ۶۸۶۰۴۳

اطلاق خواه

سریس خواب در طرح های زیبا  
تعمیرات و تعویض مخصوص  
سیمانی تلفن ۶۸۶۰۴۳

رویال اکواریوم

دیگر امدادی های ایرانی  
تعمیرات و تعویض مخصوص  
سیمانی تلفن ۶۸۶۰۴۳

باقیتی های ایرانی

تعمیرات و تعویض مخصوص  
سیمانی تلفن ۶۸۶۰۴۳

حراج

پیشنهادی عباس آبد خاک  
باکستان خیابان ۱۲ پلاک

طبقه اول

حراج خانه مبل

فروش لوستر اطلس خواب

تکنیک زیمنس خردباریم  
پلاک ۱۲۱ زنگ سرم

ویدیو سینما

کارن دنیای کودک اجاره  
نگارستان یکم پلاک ۷

ویدیو اتیا

موزه های ایرانی پاساران  
جهت دهندگان از ۱/۲ موره نیاز است

نیاز به اجاره

در مسایر های تورست دید

سند ساخت ۸

بعد از ظهر چون رویوی میز

مبل میز

نیاز به اجاره

میرس میز

نیاز به اجاره

میرس

محل کار  
آپارتمان تجارتی جهت ترکیبها  
تجاری با ۳۵۰ متر زیرین اجاره  
داده مشدود ۶۴۴۲۶۱

تمام رهن گرفته مخان زند

آپارتمان ۱ و ۲ و ۳ اطاق خوابه

لوکس با فکتوری اجاره

روزن تهران سکا ۶۴۴۷۷۱

اگر اجاره می خواهد باما مسکن

نهبه مسکن آتن ۸۴۴۹۴۶

کوره اجر برای

فروش یا اجاره ۵۵۳۹۱۰

ونک ۲ خواهه زیر هفت با حیاط

۶۴۵۲۸

آبارتمان فروشی

ایرانیان دیعباس ایدی خوابه

مهندسان ساز و شک با دفتر

کاربرگر معاشر و بای پیروزی

میرسد تلفن بین ساعات ۱۰ تا ۲

بعد از ظهر ۸۰۵۷۷

ویلا فروشی

خانه ویلایی دارای ۴ آنما

خواب با سرویس کامل

خیابان ۱۱ شرقی گوهردشت

بفروش میرسد

۵۶۵۷ - تلفن ۲۲۱

استخدام

تعادی کارگردانی نیازمندیم

۶۴۳۳۵

بعد غریب خاکستر بازکنی

۶۶۱۴۴۴

چرخکار زن استخدام مشدود

۷۷۶۲۵

شرکت ایراوسوز و بیک کمک

صادار با ساقه و خوش خط

لشامد است ۷۸۹۴۹

به یک نفر خانم جهت ترکیب

۶۵۸۶۹

کوکدیگر اوله باکامپونیک

و بیک نفر دشیزه یا بازی

۶۵۶۴۲۷

و زیستور لوان راش نیازمندیم

۶۴۶۴۲۱

جهت ترکیدگی کار کار

۶۴۴۲۵

استخدام زاده

۶۴۴۹۸۱

فرازماند

۶۴۴۹۷۷

فرازماند

۶۴۴۹



## بزرگداشت

سخن بی پرده باید گفت  
اگر دشمن زیبم نام تو برخویش میلرزید  
و میکوشید تا گرد فراموشی  
پیش روی نام تو،  
دل میگیرد از این همنبردان و

که از خاطر ترا بردن  
ندان من زهمها

زروی سهو  
یازعدم

ترا و داد مردی تو را بردن از خاطر  
ترا شیر بزرگ شرق

به نامی یاد ننمودند  
و قلب عاشقانت را

به یادی شاد ننمودند

اگر او را همان طاغوت  
به زندان برد

ابرمود وطن گر عاقبت در بند زندان

مرد

چرا با سوره الحمد  
روانش را به جنت شاد ننمودند

و نامش را  
پس از آزادی مردم

چرا آزاد ننمودند\*

دریغی نیست  
تو یادت همچو خورشید فروزان

جاودان ماند

و نامتر را  
هزاران سال دیگر نیز

هر آزادهای با شوق  
میخواند

و میداند

که در روز مصیبت

همچو گوهی استوار

از پا نیفتداد

و در سیل حوادث  
سرگردان چون گوہ استادی

\* ولی آزاده دارم

\* واپسی کسر

\* زجستر درگیری بیان برده دارم من

\* ولی آندوه من دیری نمی‌اید

\* واپسی محبو من

\* آنروز می‌اید

\* که این مردم

\* بدانسانی که تو میخواستی

\* دلشادگردید

\* و از هر بند

\* به هر نامی که باشد

\* عاقبت آزاد میگردند

\* \*

\* نمیدانی که بعد از تو

\* چه بر مارفت

\* و چه گلهای سرخی

\* بهتر از گل

\* هزاران گل

\* به روز تیربارانها

\* به روی خاک افتادند

\* چه تختی ها

\* پس از آنکونه سختی ها

\* به مردی جان سپرند و به پیش خصم

\* جوانمردانه استادند

\* \*

\* تو بودی اوستاد مزدی و رادی

\* تو درس را داد مردمی را

\* به مردان یاد میدادی

\* و ما پویندگان راه تو

\* تا روز پیروزی

\* و بهروزی

\* به جان راه تو را پیوسته می‌بیویم

\* و می‌گوئیم

\* گرامی باد نام تو

\* و نامی باد

\* نام تو

حمدی مصدق

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

</div



مردم ما و رهبر های ما چریت نمی کردند «انگشت روی درد  
بکذارت»، که شاهنشاهی درد بیدارمانی است، این مرد بلند  
شد. گفت: این رژیم قانون اساسی نمی شناسد همانچنانی که  
درد همه مردم بوده مفتون مشروطیت آلت دست رژیم  
استبداد سلطنت است، بقولو سمت آقای بازرگان: «اعلیحضرت!»  
مشروطیت و قانون سازگار نیست. آن خوش راه اعلاه  
می داشت. مردم حکرکردند، جان دادند <sup>۱۵</sup> اخراجمیش آمدولی  
ملت ایران به موضع دروانگشت گذاشته بود، دیگر سماکت  
نتشیست شرایط تغییر کرد، خفغان زیاد شد، کشتار زیاد  
شد. گروه های مسلح به میدان آمدند، وظایف شان را نجات  
دادند. امروز یک مرحله بزرگ تاریخی را شنیدم گذاشتیم،  
مراحل دیگری در پیش داریم، حضکاه استبدادی سلطنت  
منهدم شد و لی باز تجویه های سابق را باید درنظر بگیریم،  
در زمان دکتر مصدق، متساقنه، یک قیمت هم کروهای  
راست و چپ، هردوی اینها در مقابل نهضت ایستادگی  
کردند. چپ نهادها یا چپ راستها و یا راست عاداً.  
همانوقت که ملت ایران فریاد می زد، سرنوشت خودمان  
را خودمان باید تعیین کنیم، ففت باید پیروزی استعمار بسته  
شود که این پایگاه استعمار است. دیدید که چه شعارها  
پیش آمد شرق و غرب، نه روسیه از مصدق ما حایات  
«کردند و نه دیگران». ما ملتی هستیم که روی پای خودمان  
می ایستیم ما حمایتشان را نمی خواهیم، اما با مادرشمنی  
کردند تحریک کردند، توده ایهای نقی درست شد من به  
آن اصل هاشان جسارت نمی کنم. یک عدد جوان هم آلت  
دست قرار گرفتند. هی شعار پشت شعار، چه شعار هائی.  
ومصدق را میتم کردند طرفدار آمریکاست متمیش کردند  
که اهل سازش است آیا این اتهامات به مصدق به این  
شخصیتی که در تاریخ امتحان خودش را داده می چسید؟  
نفت بسته شد. برروی استعمار ولی همان کار گران شر کت  
نفت که در دوره انگلیس ها سریزیر بودند بلند شدند.  
پول نداشتم، هر روز بهانه ای قازه: ما مسکن می خواهیم،  
ما قامیں می خواهیم.

او مت ملى تشکیل شد. برای اینکه چراغ مبارزه حاموش بود، از عده‌ای فرزانگان شخصیت‌های ملى، دینی رهبری را پیشنهاد کردند. این نهضت ادامه پیدا کرد. جمیع این نهضت‌ها کجا شروع شد؟ از شخصیت‌های سیاسی هشیار و بیدار، خصیت‌هایی که آنها به سیاست‌ها و سلطنت‌ها بودند با تبیانی شخصیت‌های اسلامی، مذهبی، آیا می‌شود اینها را گرفت. از نهضت سید جمال الدین، تباکو تا این‌زمان، فرزندان، من نمی‌خواهم، «مبارزه گروه‌ها» مختلف را نادیده بگیرم. شما که فرزندان من هستید. من دلم ای همه می‌تبند. در زندان از هر گروه که می‌شنیدم، خبر ندادند که مقابله‌تر گذاشتند، مثل اینکه به طلب من تیر زندان، ولی آیا می‌شود - شرایط کشور، اخلاق مردم

را به حرکت درآورند. هرگدام براه خود و فدائیان اسلام  
جوان پر شور و مومن آنها راه را باز می کردند، موانع  
برطرف شد و انتخابات آزاد شروع گردید، صفت نفت در  
مجلس ملی شد. فتوای هرجای و علاما برای انتخابات و  
بشتیانی از دولت ملی در تمام دهات و روستاها و در میان  
کارگران یک شعار شدیکسحرکت و یک هدف بود. بعد چه  
شد و از گناهخواهی خورد؛ ضربه از درون خودمان خوردیم.  
این یک تقدیر است بیان واقعیات است تامیق کتونی خودمان  
واردگر کنیم.

شخص دکتر مصدق چه بود ، فرد دکتر مصدق مردی بود تحصیل کرده ولی در زندگی اشرافی در دربار با پیرامون دربار تغییر کرد و تحول پیدا کردو مرد ملت شد. مرد اجتماع شدم، مرد نهضت شد همانطوری که قرآن درباره‌ی موسی بیان میکند و میگوید :  
 یا موسی ترا درست کردم، خواستم که یکروزی بدرد  
 من بخوری، براه من و مشیت من ».  
 دکتر مصدق مثل سپاری از رهبران اجتماع در درون

A black and white close-up photograph of an elderly man with a receding hairline and a beard. He is wearing dark-rimmed glasses and a light-colored, vertically striped shirt. He is looking towards the left of the frame. The background is dark and out of focus.

انججه که در زیر از نظر گرامیتان میگذرد . سخنرانی  
مجاهد نستوه آیت الله طالقانی است که در احمدآباد  
بروزار دکتر مصدق در چهاردهم اسفند سال  
۵۷ ایراد شده است .

طالقانی از مصدق می گوید:

روايتی از نهضت استقلال  
طلبانه در طلوع پیروزی



S. 1. 1. 1.

\* دکتر مصدق  
مجموعه‌ایست،  
نام او، راه  
وروش او از  
مبازه بیش از  
نیم قرن ملت ایران  
دکتر مصدق در  
پی‌نهضت‌های  
پیش از خود  
وادامه‌ی نهضت  
های پس از  
وفاتش حلقه‌ای و  
واسطه‌ای بود  
برای  
ادامه‌ی  
نهضت مردم ایران  
علیه ظلم  
واستبداد و استعمار.

آخر بگذارید يك مقداري نفس بگشيم ، در مقابل اين غول استعمار بگذاريد ، حواس ما جمع باشد ، اين نفث مال شامت هرچه می خواهد استفاده کنيد ، امانشد. هيبيطور اختلافها را دامن زندگان داشت ، مرداد پيش آمد خوب شد؟ بپرس ، بپرس ؟ نباید اين تاريخ برای ما تجربه باشد ؟ من وقتی می سعدم ، آدم يك مقدار شعار توههای بودکه ما می دانستیم دروغ است. ولی می گفتند گویند می خواهد مسلط شود که يك عدماي داد و اسلاما سردارند ، اين وسط چه شد؟ چه نتیجه اي گرفتيم؟ چندسال ذلت ، چقدر قربانی دادن ، ما باید متنبه بشویم .

آيندوارم که همه فرزندان ، برادران و عزیزان ما باحسن نظری که شاید اکتریت یعنی دارند ، بعنوان يك پند ، يك ذنکار يك پدر و نجوری که او اخر زندگی اش را می گذراند که جز خير و صلاح ملت را نمی خواهد ، از اين نصائح من کسی دلخور شود. من صلاح همها می خواهم من هیچ کش یا محبت خاصی به هیچ گروهی ندارم ، فقط ملت را می خواهم. اين ملت شریفه ، اين ملت ونجدهه موافق باشید درین این چیگرانی و راستگرانی باز هم دجاج عوامل استعمار و استبداد و اسرائیل و اینها ناشد باز همه هما کوپیده می شویم ، مثل ۲۸ مرداد ، بدتر از آن. دندان هاي آنها تفتر شده و يا همه دسمسه ها و يا همه وسائل ظاهري و غير ظاهري در گمین نشسته اند ، هشيار ياسيد ، اين تفرقه افکن ها ، اين موضع گيريه ، اين شعارات بجا را کنار بگذاريد. همانطور که در انهدام سلطنت پهلوی کوشیده ، در سازندگي بکوشيد. به اندازه کوهها بار مشکلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادي در پيش داريم . اين دولتی که فعلا مسئولیت خطر را در پيش گرفته ، بارها گفته ام ، نه دولت اينده آآل شما چیگراها ، راستگرانهاست و نه اينده آآل من. اما اينده آآل غير از واقعیت است. و اينرا باید اعتراض کنيد که اينها مخلصند هوایست نیستند. مشکلات دارند. گاهی در جلسات ، در گوش و گثار در جلسات شان شرکت موکم از شنیدن مشکلات شنیدن و حشمت می کنم ، انتقاد گردیده رجه دلان می خواهد. در انتخابات انتصابات در کارها انتقاد کنيد ، و اى باید همکاری کنيد بامحبت بکوشيم که اين مشکلات را از پيشها بداريم . رفتد و هزاران خرابی پشت سر گذاشتند ، در همین اطراف کرج باغهای استکان دارد از بين می روود. وضع ارتش ما مغلشي شده ، اينقدر شعار تلاشی ارتش ندهيد ، خدامی داندکه اين شعار به محلحت نیست. ارتش باید باشد. ارتش ملي ، ارتش تضییه شده ، میلوها خرج اين ارتش شده ، خرج اين وسائل شده ، آيا باید این را تویی در پا ببریم .

این کارگران ، این کشاورزان و این توده های مردم نعلمرسان یکی است ، از کجا جو شیدم ، از آن حق ایمنی سلامی عرب فقط مقال اسلام بود ، این ایران بود کاملاً شناساند ، همه دنیا این اهیت و موقبیت و شخصیت ایران را می شناسند هرچا گلستانی هست ، هر فانی ت ، علمی هست در دنیای شرق و غرب معترفند که بایهایی ایش از ایران بوده است .

قوله چراغ خلیل جبران « مصری علی « این شخصیت ایش نعونه عالی انسانی ، در زمان خودش شناخته شد ، مردم هوشمتدی از ایرانیان و فرسینان برخاسته ، می دادند علی را شناختند ، منطق علی را فهمیدند و علی شخصیس دادند .

این سابقه ما ایرانی هاست ، در بین طوفان های دنیا بد برخاستیم و هیچ وقت برای همیشه تن به ذات و مسما کری ندادیم . اگر بدمنان را به بردنکی کشیدند ، هر کس قلب های ما به بردنکی کشیده شد .

اکنون ما ملت ایران قیام کردیم بعد از ۱۵ خرداد ، شخصیت علمی ، یک شخصیت دینی ، یک مرجع مصمم نفع زیبادشن علیه رزیم بلند شد - اما وقتی که اکتریت

رسنگان را بپرسی کردند ، نظر  
آنها می خواهیم آنها یه دادایان اسلام می گفتند که شما پویدید  
که این نهضت را پیش بردهید ، دادایان می گفتند ما حکومت  
اسلامی می خواهیم ، آنها یه دادایان اسلام می گفتند که  
نکر مصدق چندین است فی به عنین توجه ندارد و نصی  
خواهد خواستهای شما را برآورده کند . به نکر مصدق  
که دادایان اسلام جوانهای پرشور و تبرور است  
استند ، از آنها یادی پیرهیزید . من که خودم میخواهستم بین  
بنینا تفاهم ایجاد کنم یه شی شود . امروز صحبت می  
کرم ، فردی ایام می دیدم چهارم ها عوض شده باز  
خصوص مت بیار موضع گیری .  
مرحوب‌دکتر مصدق می گفت : نه من مرد مدعی حکومت  
اسلامی هستم و نامی خواهیم گذاشت که این رئیس وزیر  
باشم . مجال بدید گذاردید ، من قصیبی نفت را حل  
نمی خدم . این جناب را جدا کردند . آمدند دو باره سراج عزوم  
بیت الله کاشانی بالنوع ننسیات که این نهضت مال توست ،  
نکر مصدق چکاره است ؟ او را نیز از دکتر مصدق جدا  
کردند یادم هست روی که گفتو بود در بین مردم  
مرحوم ایالت الله کاشانی حمایت از «زاوها» می‌کند و  
وطهای در کار است . پنهانی رفتم منزل ایشان . او در اتاقش  
ها بود ، پریدهای از خربزه‌ای در دست داشت . چنان

سالیان ملت ایران و مملل اسلام و خاورمیانه خواب  
بودند . در این میان از همین مردمین باک ماو ملت هنرمندان  
مأثید سید جمال الدین قیام کرد قملل اسلامی و مشق‌ذمین  
را بیدار کرد . همان وقتی که اسلام و قرآن و سیلیه‌بویوشی  
و پیغمبر دیده بود، این سید جمال الدین بود که بدمعنی اسلام‌ها  
قرآن آگاه بود و با او اولین موج شروع شد .

آیت‌الله طلاقانی با اشاره به سفر هیات اعزامی جبهه  
آزادیبخش صحراء «بولیساریو» به ایران گفت :

مردمی که سالیان با انگلیس و فرانسه جنگیدند و  
در میان صحراء و در محاصره استعفار بودند، چشم به انقلاب  
ایران داشتند . به مناسبتی در هلاکات‌من با این گروه،  
نام سید جمال الدین به میان آمد . گفتم : من شناسید  
گفتند : بله . ولی گفت سید جمال افغانی است ! گفتم :  
اشتباه است ، سید جمال الدین از ایران بود ، خانه او در  
شهرش اسدآباد همدان باقی است و مردم ایران او را می‌  
شناسند . تعجب کرد گفت : پس همه نهضت‌های فداییم  
از ایران شما شروع شد گفتم : بله به همان جهت هم  
نشمنان ما بسیار نسبت بهم کنیه توز هستند .

پرادران، خواهاران، فرزندان گرامی، امروز روز  
خاطر انگلیز است برای ملت‌ها، همه در پیرامون تربیت  
شخصیتی مبارز و تاریخی جمع شده‌ایم. نام محروم دکتر  
محمد مصدق برای همه ملت ایران و برای تاریخ‌ها نهضت  
ما خاطر انگلیز است. نام دکتر مصدق همان اندازه که  
برای هشیاری بیداری نهضت، مقاومت، قدرت ملی،  
خاطر انگلیز است. بهمان اندازه برای دشمنان ما، دشمنان  
داخلی و خارجی، استعمار خارجی، و عوامل استعمار  
داخلی و حشت آور و نگرانی آور است. دکتر مصدق ۱۲ سال  
بیش در حال تبعید در میان این قلمه و بیان چشم  
زجهان فروپست ولی قبر او، مزار او، نام او، همانها  
برای دشمنان ملت و حشت انگلیز بود. چه سالهای که  
لکشته و مردم ما، ملت باو فای ما، ملت هوشیار ما برای  
بیارت قیر او، برای زنده کردن نام و نهضت او بسوی  
زار او من آمدند و پیلس و مامورهای نزدیک از زیارت  
زدن و فاتحه خوانین بالای قیر او و حشت داشتند و  
هم راهها را برروی ما و همه ملت ما در این گوشی‌بیان  
بیستند. جرا؟ مگر چه بود دکتر مصدق؟ دکتر مصدق  
نفتخی در خاک چشم از جهان دوخته، چه و حشتی ازاو  
اشتند. دکتر مصدق مجموعه‌ایست، نام او، زاده و روش  
از مبارزه بیش از نین قرن ملت ایران، دکتر مصدق در  
نهضت‌های بیش از خود و ادامه‌ی نهضت‌های بیش از  
فاتح، حلقدای و اسطوای بود برای ادامه‌ی نهضت  
دم ایران علیه ظلم و استبداد و استعمار و استبداد، این  
و این مزار هیشه مورد توجه مردم ایران و دنبای  
زاد و آزادیخواه بوده است و خواهد بود. امروز که  
در اطراف مزار او جمع شده‌ایم بیش از اجتماع ظاهری  
باید مرکز اجتماع فکری اندیشه‌ی اغلبی ملت‌ها باشد  
تا وندی قل چنین روزیرا باور نمی‌گردیم. که همه ما  
اطراف و اکلاف در چنین مکانی با هم جمع بشویم و راه  
سنق و راه روش مصدق را باز زد مرت کنیم. دکتر مصدق  
جمو عهایست از مسلسلی خواست و موجهای قل از  
ود و بعد از خود. ما و شخص مخصوص شما، با این  
ضع و حال مزاحم که اینجا نشسته‌ایم، اگر رهچگوییم  
هر چه سعاده هست ماهمه ضعف حافظه کاف نیست.

شاید اگر همه سکوت کنید و در اندیشه فروپرورد  
تذکرات گذشته را بیاد آرید این سکوت بیش از  
هزار زیان گویا باشد و گذشته وضع کنونی و آینده  
را تعیین کند. آنچه من میتوانم در این مکان و  
در این شرایط پشما ملت عزیز شرافتمد ایران بگویم  
قطع تذکرهای است یادآورهایی است که شاید این  
ذکرات هرچه بیشتر، نافع تربیا شد. تذکرات شکست‌ها  
پیروزی‌ها، تذکرات راههای مستقیم و منحرف،  
ذکرات علل شکست‌ها و پیروزی‌های ملت ایران که  
آنند امواج دریا، کاه طوفانی میشد و کاه آرام ولی  
در عمق موج و متحرك بود. دکتر مصدق چرا پیروز  
نمود؟ دکتر مصدق چرا به حسب ظاهر نمواقع شکست  
نورد؟ دکتر مصدق یعنی نهضت‌ملی و دینی ایران.  
چرا پیروز شد و چرا به شکست منجر شد. چرا این  
وج برخاست و دومرتبه آرام گرفت. آیینی در  
غاز سخن بیان کردم با همه‌ی فشردگی و کوتاهی  
اعجاز‌آمیزی بیان علل شکست‌ها و پیروزی‌های  
شکست‌ها و مردم و امم است. تغییر و تحول شکست  
پیروزی، عزت و ذلت و انهدام و  
سازندگی هم مربوط بچیست؟ به روحیت و اخلاق‌روش  
فاو منش‌های ملت هاست. دو اراده‌ای است. اراده‌ی انسان  
زاده‌ی خدا و سنت جاریه‌ی این. تغییر با اراده‌ی انسان در  
مود انسان. تغییر نسبیت، اخلاق روایات، حیله‌اگر

جهی تغییر کرد .  
سنن الهی هم آن ملت . آن امت را در همان جهت  
تغییر می دهد تغییر از عزت به ذلت . تغییر از ذلتیه عزت ،  
تغییر از استقلال و سبلندی ، تغییر بسوی خست و  
مرشکستگی . تغییر در جهت مذلت . تغییر ضعف . هماینه  
زمان قرآن مربوط میشود به تغییر انسان ها .  
چرا امروز ما عزت و پیروزی خود را چشم میگیریم .  
ای اینکه فرد ما کروهی ما تغییر کرده اند ، ازان  
ابستگی ها ، خودخواهی هاخودپرست هدیره ایران استداد

بار و استعماری که در تمام شکون زندگی ما در اقتصادیابی  
\* عوامل استعمار واستبداد و اسرائیل  
\* همه وسائل نظامی و غیرنظامی در  
\* مین نشسته‌اند، هشیار باشد این  
\* فرقه‌افکنی‌ها، این موضع گیریها،  
\* این شعارهای بیجا را کنار بگذارید.  
\* همانطور که در انهدام سلطنت  
\* جهلوی گوشید بد، در سازندگی بگو-  
\* سید. به اندازه کوهها بار مشکلات  
\* محظایه از این

سی و احمدی و انصاری در پیش  
اریم . امیدواریم که بتوانیم آین  
سئولیت عظیم تاریخی را نه درباره  
خودمان ، بلکه برای سرنوشت دنیا بی  
له در زیرسلطه است ما بتوانیم در  
نهایا هم موثر باشیم .

اجتمع ما در فرهنگ ما غر اطراف مرسوخ کرده بود ،  
مرتبه هشیاری ، بیداری ، قاطیست رهبری همه را بیدار  
د . این بیداری ، این هشیاری وقتی به اوچ کمال خود  
بید مده قدرت هایی که عليه ما بودند ، قدرت هائی که با  
ه قوا در سرکوب مامکوشیده باهم از قدرت قهرار  
رجی و داخلی شکست خورد و ما پیروز شدیم .

تفیر کردیم سفن الهی هم بیاری ما امد . در گذشته هم  
پیغامبر بود . زندگی گذشته حیات اجتماعی پستی بلندیها ،  
ت و ذلت ها ، پراکنده ها ، اجتماعات ، نهضت ها ، همه  
بیوط به هم بود و باید ماهورجه زودتر هشیاری و آگاهی  
و دمان ها و تغیر نفسیات خودمان را توجیه کنیم ،  
ناسیم .

\* دکتر مصدق گفت: ما باید ر دنیا ای شرق و غرب بی طرف باشیم نز عدم تعهد را ابراز کرد. همان تری که مرحوم ناصر، نهرو، سوکارنو عمه دنبال کردند او گفت بدیختی ما عین انبارهای نفت ماست. ما نفت می خواهیم گرسنه می مانیم. ولی زادی واستقلال می خواهیم.

عارف جلوی من گرفت گفتم حضرت آیت‌الله دارند زیرا بایت  
فریزه می‌گذارند. موظف باش! گفت: اینطور نیست من  
هواسم جمع است. گفتم من شمارا مرد مبارزه می‌شناسم،  
سما مزايا و سوابق خوبی دارد متوجه و هشیار بایشد که  
فرقه ایجاد شود گفت: خاطرتوں جمع باشد. با همین مسائل  
نهنی و گزترها پنهان برخدا از غور از هوای نفس، همانطوری  
که معتقدم که شیطانی که قرآن توصیف می‌کند. از نقطه  
صف درون انسان استفاده می‌کند. یک نقطه غمغش مال  
وستی است، از همینجا استفاده می‌کند. یک شهودداره  
که جامطلب است. همانطور که شیطانهایی که مظیر شیاطین  
روونی هستند، جاسوسها و کارکشتها، درون گروهها و  
فراد میگردند و میگویند نیخت مال توست، تو همه کارهای  
نهنرا را بادش می‌کنند و مقابله هم قرار می‌دهند. اینها همه  
نکار است.

د بهاسین او گردند، او را از پیکرف برند. اما دکتر صدقی که بایک حرف نکش، بایک فرمانش مردم اجابت میکردند، قی از درون. این نیروها متلاشی شد بایک ضربه‌ی ۲۸ مرداد چنان فاجعه‌ای برای ملت ایران پیش آوردند. یک‌عدد تولوت، یک عدد بدکارهای براه افتادند و در مقابل چند پیتار انساش را از بین برند، خانمتهنین کردند و به حاکمکش کشاندند و به زندانش افکنند بعاین مه اتفاقنکردن بعد از زندان سالها در این قلعه زندانی بود. بادم هستو تویی زندان بودم احو ایشان را می پرسیدم، می‌آمدند، می‌گفتند، یکتر تنهای و خانواده‌ای همیشه فرست نداشتند و همیشه شناسن بودند. گفته بود، یک کاری بکنید که مردم بیاورند پیش شما که با شماها پاشم و لی خودش را حفظ کرد و یعنیش را حفظ کرد.

برادران! فرزندان! جقدر انسان یابید تجربه بکند! گافی بیست؟ تجربه‌ی کشته کافی نیست؟ یک مقداری در خود یعنی‌ها، گروه بینی‌ها، مردم بین باشیم. خدا بین بشویم . خودمان را فراموش کنیم. آنده را بگیرم ببینم چهارشنبه‌ی نور کین ما هستند. نهضت نکر مصدق دنیای خاورمیانه را اسکان داد، دنیالش مصر انقلاب شد. الجزایر انتقام بدولی ما محکوم شدیم. ما متلاشی شدیم، باز غارتگران بین‌المللی بعد از ۲۸ مرداد آمدند، کشتند و بردند و خوردن جوانهای ما را یورجیی در مقابل مسلسلها فرار دادند. عدمای او باشند و زرد و جانی و بیست را برحبیات وزنگی ما مسلط کردند. در مصر و در مکه، نماندگان الجزایر می‌آمدند و می‌گفتند: ما نسبیان نهضت شما حرکت کردیم، شما چرا بعاین روز افتادید، من می‌ماندم که جی بکویم این تاریخ نهضت‌های گذشته هاست، لین تاریخ نکر مصدق ماست. گذشت و لی ملتما را اگر بظاهر زیانش را بربدم بودند ولی به هزار زیان سخن گوییا بود. بن از تکست حکومت نکر مصدق، نهضت

بیت مرد عالم هنریاری در کوتاهی از از ایک تمام جریانهای آنروز ملت ایران را زیر نظر گرفت و با وجود آنمه دوری روابط، وقتی قرارداد داد «رزی» در برابر ناصر الدین شاه امضاء کرد همه خواب بودند، ولی او فرمید دنبال این قراردادها چهارسالهای بود، چه فریبیا بود چه دشمنی بود با سه کلمه که امروز استعمال تباکو در حکم معارضه، با امام زمان است. تمام ملت از جایلند، شد، زن و مرد ایرانی علیه این قرارداد قیام کردند، قیلایها را شکستند. وقتی زنان ناصر الدین شاه از بردن قلیان برای شاه خودداری کردند ناصر الدین شاه به آنها گفت: شما زن من هستید شما چرا بخطاطر حرف یاک شیشه قلیان را تحریم کردید؟ گفتند: ما زن تو مستیم ولی بحکم همان شیوه برتو حلal شدیم و اکنون او حرام کرد، ماهم بتو قلیان، نخواهیم داد. امن تنهضت بود که در حق خانه ها در دهات و در گوشته و گناه در بار ناصر الدین شاه را با همان ظاهرات دینی اسلامی امش متزلزل کرد.

بادردا! فرنگدان اهانت های ایران را با هشیاری روزی ایک کنید، تصدیق یک جهت بینی، یک بعدی بینی همیشه ارا بیچاره کرده است. نهضت مشروطیت، از چه بود؟ احمد مخالفت ها و با همه اینکه یک عدد از قشریون از نام مشروطیت و حشت داشتند، غیر از علمای بزرگ که در بیج و ایران بودند، چرا شکست خورد؟ در میان آن بون هایی که ریخته شد و آن فدا کاریها سرو کلهای خان مستبد بیرون، آمد. برای اینکه یک عدد فرمت ملب، یک عدد فراماسیون، یک عدد غرب زده خود خواه، مشروطیت و خشیده دار کردند و مشروطیت که در انتخاب دولت و نهاده سرنوشت ایران باید حق ملت باشد، به آلت و مسله ای برای قدرتی های استبداد و استعماد داخل و خارجی آمد. ساکت ماندید و در مقابل، ظلم و استبداد رضاحائی مردم زبانشان مسنه بود. خلیقای ایران درحر کت بود و منتظر صفت قاشقیور ۲۰ پیش آمد. ملت هشیار شد. آنکه در مقابل ملت شمشیری بود برس همه، در مقابل اجنبی دلیل زیون بود، چقدر بدیخت بود. بخوبی یاد هست همانقدر که

اکام انگلستان اولین حسله، دا متوجه رضاخان کرد، بیچاره و دش را باخت.  
وبهین دلیل هر شب، وروزد کاخ سعدآباد در هر گوشه‌ای  
ترس بخود می‌لرزید، چندبار فرار کرد، از بین راهروش  
فرداندند مثل پسر خلقش می‌خواست صندوق جواهرات را  
خودش ببرد که مثل یک بیویه کبودی بیچاره پشت کردند را  
کفشد و برداشت به جزیره، مورسا  
قازه مرد حنایی ناصیاب، توشه بودی که می‌بايستی  
مقابل اجنبی ایستاد که، کنون، فرض که کشته می‌شدی،  
را در حقیقت آنهم با آن زیونی، ویدبختی، بعدم شدی رض-  
اه بکری! ادر دنی رفت پس چه می‌شد، همانطور که پیش از  
هر درفت، اکر ملت پای تپید چرا فرار کردی؛ اکر خلا اجنبی  
د، قوماید با ملت جلوی اجنبی می‌ایستادی، پس چرا تو  
رقی؟ وقی ملت فمید رضاخان کی بود، حرکت شروع  
ده، جنکینیان اللل بیش آمد.  
در این بین مردم توپافته بودند که باید نجات بیدا  
نند، شخصیت دکتر مهدی مانند، یک پژوهش ماهر انتکشت  
ی تقطیعی درد گذاشت و گفت ما باید در دنیا شرق و غرب  
طرف باشیم، تزعدم تهدد را ایزاز کرد، همان تزی که مرحوم  
صر، نیرو، سوکارنو همه دنیا کردند او گفت بدیختی ما  
بین ابراهای نفت هاست، ما نفت ذوب خواهیم، گرسنهام -  
نیم ولی آزادی و استقلال می‌خواهیم نهفت اوچ گرفت، چه  
دکه اوچ گرفت؟ در اینجا حضرت، آیت‌الله طالقانی با  
کر آیه‌ای از کلام‌الله مجيد، گفت: وقی که موجات نظر  
سود، همه نیروهای ملی و دیگری در یک مسیر  
کت کردند. مراجع دینی مانند آیت‌الله خوانساری،  
آیت‌الله کاشانی، قدسیان اسلام، باهم شروع کردند و ملت





